

ردپا تنہا یک نشریہ نیست

سنگین دست
خطابیت
حضرت وادی
روایت
ردپا شد در حرف

فترتہ اجتماعی، سیاسی، فہمکے و صدقے ردپا

سر دبیر: محمد مہد سقاچی

مدیر مسئول: فاطمہ مخنار

دانشجو مسلم



الجمهورية الإسلامية المغربية
دانشگاه اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ

ویژه نامه جدید الورد شبجویان

کاری از پرویجه نمای انجمن اسلامی

wellcome

به دانشگاه خوش آمدید

سلام!

سلام بر تمامی شما حماسه سازان! شما شکنندگان شاخ آن دیو ۲ سر، آن موجود پلید، کنکور. امیدوارم خستگی راه و بار سفر از دوش خود رها کنید و اگر نهانیده اید، ما برایتان برهانیم. بعد از سلام به شما خوش آمد عرض می کنم؛ به شما دانشجوی عزیز.

شاید چند روزی است که هی دوست دارید یک جایی پیدا شود که فرمی پر کنید و در قسمت شغل بنویسید دانشجوی. شاید چند روزی است که هی کلاس میگذارید و قلمز در می کنید و لوقوز می خوانید که دیگر من دانشجوی ام، تازه دانشگاه دولتی، آن هم دانشگاه اصفهان.

بلهههههه. شاید باورتان نشود ولی باید باورتان بشود!:

سال سختی را پشت سر گذاشتید. شما کنکور دادید، آن هم در سال ۱۴۰۳، یعنی کنکور ندادید، ندادید، ۱۸ سال را ول نمودید و صاف همین امسال؟؟؟؟ (البته اگر امسال سال دوم ، سوم ، ... ، ام تان هم بوده باز هم در اصل مسئله فرقی حاصل نمی شود)

صاف همین سال که این همه اتفاق در ایران و جهان افتاد، شما می خواستید درس بخوانید، یکی می خواست ظرفیت ها را آزاد کند، یکی می خواست تورم رو حل کند، یکی از توی پناهگاه میخواست به ایران حمله کند، دیگری هم به دنبال وفاق بود... اما شما درس داشتید. انتخابات و سیاست به کنار...

جامعه ورزش هم کل سال رو ول کرد صاف همین امسال المپیک برگزار کرد.

انصافا عجب سالی کنکور دادید. دمتان گرم آن هم به مقدار زیاد.

در آخر بگویم که ما بر آن هستیم (جمله رو داشتی!!) که کمی دانشگاه را به شما معرفی بنماییم. اگر مایلید، دیگر مطالب را بخوانید.

از طرف سر دبیر
مهدی سقاجی

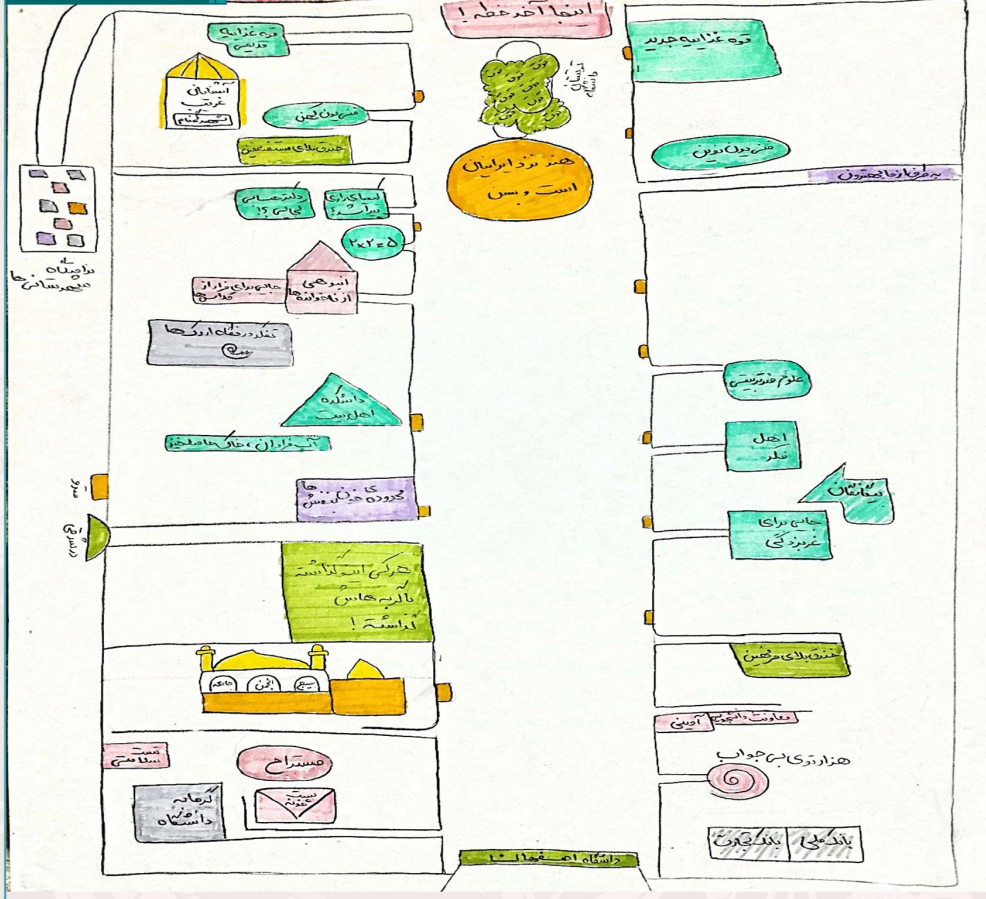


نشریه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و صنفی ردها
سال پانزدهم :: شماره ۸۱ :: مهر ۱۴۰۳ :: ۴ صفحه
انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان

فهرست

- به دانشگاه خوش آمدید
- لوکاتیون (location) دانشگاه
- به دانشگاه خوش آمدید
- مناظره استاد و دانشجو
- اشعار دانشجویی
- عکس نوشته
- اصفهونس و کلی خوش گذرونی
- فرهنگ لغت دانشگاه
- عکس نوشته ۲
- انجمن چیست؟

لوکاتیون دانشگاه



مناظره استاد و دانشجو!

گفتم غم فزون است ، گفتا ز من چه آید
گفتم که نمره ام ده ، گفتا ز من نپاید
گفتم که نمره دادن بسیار سهل آید
گفتا ز ما اساتید این کار کمتر آید
گفتم کرم نمایم من را کنید شما شاد
گفتا که خوش خیالی کی وقت آن بناید
گفتم که نمره هفت بدیعت عالمم کرد
گفتا اگر بدانی آن هم زیادت آید
گفتم خوشا دهی که دست شما دهد آن
گفتا تو کوششی کن کو وقت آن بر آید
گفتم دل رحمت کی قصد رحم دارد
گفتا نگوئی با کس تا وقت آن بر آید
گفتم زمان تحصیل دیدی که چون سرآید
گفتا خموش جانم از دست من چه آید

در دانشگاه ننگی ها و گنگون های مبتلای وجود دارند
ازین با هم یک ننگه باوشال میسوم بینشون



اشعار دانشجویی

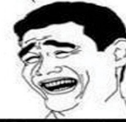
بگرید عالم و آدم به حال زار دانشجو
بیفتد صد گره هر دم به کار و بار دانشجو
دوسه هفته که بگذشت از کلاس و درس و بحث و مشق
یقین بینی که در رفته ز جا زه وار دانشجو
هر آنچه عیب و مشکل باشد اندر جامعه قطعا
نیابی ارتفاعی کمتر از دیوار دانشجو
دمی از انتخاب واحد و یک دم ز مشروطی
بلرزد قلب پاره پاره و غمبار دانشجو
اگر یک دم کند غفلت که دل بر دلبری بخشد
فقط بدبختی و ماتم شود دلدار دانشجو
ولیکن گر توکل بر وجود حق کند قطعا
خدا باشد به هر لحظه رفیق و یار دانشجو

علیم رضا چلدار دوز
دانشجو کلاس آموزش باطن

یا پولاتو رد کن یا جونتو بگیرم



پول؟! جون؟! بابا من به دانشجو ام



شرهنده
داداش

اصفونس و کلی نوش گذرونی

اگه بچه اصفانی که برو مطلب بعدی اما اگه اهل دیار دیگه ای هستی، این مطلب واسه شما نوشته شده. اینجا اصفهانیه! مردم خوش ذوقی داره که حواسشون به کار خودشونه، تیز هوشن و اصلا سرشون کلاه نمی‌ره! اصولا اصفهانیا اهل حساب کتابین و دخل و خرج براشون مهمه. اینجا مثل تهران نیست که هر چی بری سمت شمال خون مردم بنفش تر بشه! اینجا سیستم، سیستم محله‌ایه. یه محله پر از داش مشتی و قهوه‌خونه‌ست ولی محله‌ی کناریش بورس پورشه و بنز و... پس حواستون باشه تو کدوم محله رفت و امد می‌کنید! دنبال هر چیزی هستید، باید برید تو محله‌ی مربوطه. تبریک میگم! اگه اهل گشت و گذار هستید، شهر خیلی خوبی قبول شدید. اول از همه یه برنامه صفا بچینید و برید تله‌کابین تا از آلودگی‌های شهر کمتر فیض ببرید. پنجشنبه‌ها پاشین دوتا بسته چیپس و ماست موسیر بخیرید با به زیر انداز برید ناژوون و صفا سیتی! سینما هم یک تفریح فرهنگی و خوبه که با جیب دانشجویها هم نسبتا جور در میاد (چرا میگم نسبتا چون قیمتش نسبت به قبل گرون تر شده اما سه‌شنبه‌های نیم‌بها رو که از تون نگرفتن!)، پاشین برین سینما تا حالتون جا بیاد. خوبیه سینماهای اصفهان اینه که همشون نزدیک به هم دیگه اند. ساحل سر انقلاب و سپاهان و فلسطین و چهارباغ هم تو چهارباغه! آها راستی در مورد چهارباغ ها بگم! اصفهان چهارتا خیابون داره به اسم چهارباغ که جزو با صفا ترین خیابونای اصفونه. به فاصله ی بین دروازه شیراز تا ۳۳ پل میگن چهارباغ بالا. به فاصله ی بین انقلاب تا دروازه دولت (میدان امام حسین) میگن چهارباغ عباسی. به فاصله ی چهارراه تختی تا میدون شهدا میگن چهارباغ پایین. به فاصله ی بین میدون خواجه تا چهارراه فلسطین هم میگن چهارباغ خواجه حالا به عنوان تمرین حدس بزنین سینماهای اصفهان تو کدوم چهارباغ بود؟! ضمنا اگه وسط سال دیدی دلت گرفته، یه هدفون با به آهنگ ملایم بزار تو گوشت و برو لب رودخونه قدم بزن! اگه تا اونموقع آب رو وا کرده بودن که هیچی اگه نکرده بودن باز از صفای لب آب هیچی کم نمیشه! اگه پولت رسید برو به بریون بزن به بدن! هر چند میدونم دانشجویی و شپش تو جیبش شرکت انبوه سازی راه انداخته! برای اطلاعات تکمیلی به هر انسانی با لهجه ی اصفهانی مراجعه کنید اما آدرس نپرسید! دلیلشو بعد می‌فهمید!

فاطمه میربختری
دانشجو کلاس آموزش باطن

